

ملت ایران چشم از او برنداشته است

به مناسبت چهارده اسفند

فرهنگ قاسمی

✘ چهارده اسفند سالروزی است که محمد مصدق چشم از جهان فرو بست. برای من که رفتار سیاسی خود را مدیون آموزه های این مکتب می دانم، با همه علاقه ای که به مصدق داشتم و دارم هرگز این فرصت پیش نیامده بود که بخاطر این روز مطلبی بنویسم.

علت آن هم شاید مخالفتی باشد که با فرهنگ مرده پرستی مرسوم در ایران دارم. امسال بنا بر توصیه دوستی در اندیشه بودم که کلامی در این باب بنویسم. هنوز دست به قلم نبرده بودم که سیل مقالاتی در این باب از همه جا سرازیر شد. هرکس از زاویه نگاه خود چیزی نوشت و در روزنامه ها سایت ها و فیسبوک و تلگرام و وایبر و... انتشار یافت. برخی از نوشته ها از صرف یادآوری و تسلیت فرا تر می رفت و در جستجوی سر خط گمشده ای در گره ها و پیچیدگی های روزگار ما بود که از قبل از انقلاب مشروطه شروع شده و با مصدق ادامه پیدا کرده بود.

با خودگفتم در چهارده اسفند مصدق چشم از جهان فرو بست، اما انگار جهان چشم از او برنداشته است. مردم ایران هنوز از او انتظاراتی دارند. با شگفتی می بینیم که به ویژه پس از تجربه تلخ و خانمانسوز جمهوری اسلامی، که آن رشته ضربه خورده رشد را بطور کلی برید و بریده ها را سر در گم کرد و علیرغم ضربات سهمگینی که هر روز به آزادی و دمکراسی و استقلال میهن وارد می سازد، نسل های بعد به ارزش مبارزات و نظریات سیاسی مصدق واقف یا واقفتر شده اند. گوئی به آن کار هنرمندانه و ناب سیاسی مصدق که به دلیل دخالت قدرت های خارجی نتوانست به راه خود ادامه بدهد برخوردی واقع گرایانه تر دارند. پنداری که میکوشند این فکر و رفتار و اعتقادات را بعنوان حافظه تاریخی خود نگهداری کنند؛ در حد امکان پرورش داده و به نسل های دیگر انتقال دهند تا روزی این اثر زیبا و ارزشمند سیاسی کار ساز شده به نتیجه برسد.

مسلماً راه و روش سیاسی مصدق اگر چه هرگز تئوریزه نشده است، اما

هرکس آنرا به نگاه و نیاز خود می بیند و تحلیل، تفسیر و انتقاد میکند و احیانا از آن مکتبی میسازد. برخی او را سوسیال دموکرات، بعضی ملی گرا، گروهی ناسونالیست، فرقه ای ملی-مذهبی، عده ای مسلمان ملی ... مینامند. این تعبیرات تا آنجا به پیش می رود که دشمنانش او را طرفدار کمونیسم و امپریالیسم معرفی میکنند. اما در این میان کم نیستند کمونیست ها و سوسیالیست هائی که با احترامی قابل تحسین از او یاد میکنند. از سوی دیگر از بازماندگان رژیم سابق، غیر از افرادی چند مغرض، بی خبر و کینه توز، بقیه بارها بیان کرده اند که مسئولین وقت رژیم شاهنشاهی در رفتار با مصدق و دولت قانونی او اشتباه کردند. این اظهار پشیمانی ها حتی، و به راستی دامن کشورهای خارجی مداخله گر در امور ایران را نیز میگیرد؛ بطوریکه دولت های قرار گرفته در راس کودتای ۲۸ مرداد یعنی امریکا و انگلیس که تدارک کودتای ۲۸ مرداد را دیدند، طی سال های اخیر نه تنها این اقدام خود را نادرست دانسته و آنرا محکوم میکنند، بلکه برخی تا آنجا پیش میروند که میگویند اگر بجای مخالفت با دولت مصدق و سرنگون ساختن آن از او حمایت میشد امروز وضعیت خاورمیانه بشکلی نمی بود که هست. بهر روی هرکس می کوشد از اندیشه و کنش های سیاسی او به عنوان وسیله ای برای امتیاز بخشیدن به افکار و اندیشه های خود و یا حمله به مخالفانش طرفی بریندد.

خمینی خیلی زود، سال ها قبل از انقلاب ۵۷ دریافته بود که اندیشه و راه و روش سیاسی مصدق رقیب اوست، در صورتیکه متاسفانه بخشی از مصدقی ها در اشتباه محض فکر می کردند خمینی با آنهاست پس دست دوستی به سویش دراز کردند. همینکه آن جمهوری، اسلامی شد در ضدیت با مصدق و مصدقی ها تا آنجا پیش رفت که نه فقط به او طرفدارانش ناروا گفت و زد کشت و از میدان بدرکرد، بلکه حتی احمد آباد، آرامگاه مصدق را زندانی کرد.

این کوشش های مثبت و منفی از نظر من بیانگر یک حقیقت است و آن اینکه، افکار و رفتار سیاسی محمد مصدق بشکلی اهمیت پیدا کرده و فراگیر شده است که میتواند آلترناتیو واقعی و عملی جمهوری اسلامی محسوب شود. آلترناتیوی که هنوز نه نیروی اتسانی خود و نه راهکارهایش را فراهم نکرده است.

در ادامه بحث، کوشش اینست که به برخی از اصول و مبانی فکری محمد مصدق و دکتترین نهضت ملی به پردازیم. برای اینکار از نوشته ای که چند سال پیش انتشار داده ام و به نظرم هنوز معتبر است استفاده می کنم. (۱)

مصدق کیست؟

مصدق یک سیاستمدار منطقی و ناخدایی بود که هدفش رهایی ملت ایران از استثمار و استبداد بود و میخواست حکومت ملی را در ایران بنا نهاده و دموکراسی را رشد داده به حاصل برساند، در این راه نه از خدا کمک میخواست و نه از ایدئولوژی و مکتبهای سیاسی موجود و مرسوم. در طرز کار سیاسی مصدق سه عامل عمده به چشم میخورد. منطق عینی، شجاعت ذاتی و نیروی مردم : با منطق عینی خود تجربه و تحلیل میکرد و راه پیدا می نمود، با شجاعت خود بدون هیچگونه ترس و وحشتی مصلحت مردم را بیان می کرد و بالاخره برای اجرایش فقط به نیروی مردم تکیه می نمود. مصدق در سیاستورزی خود بین اخلاقیات شخصی و اهداف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از یک تبدیل و تبادل مدام اصولی پیروی می کرد که نتایج اقداماتش منجر به یک کیفیت عالی در اداره مملکت منجر می شد. مصدق در طی سالها اقدامات سیاسی توانست استانداردهایی (Standards) از خود به جای بگذارد که این استانداردها مکتب سیاسی را به وجود آورده است، که باید آن را مکتب مصدق نامید.

مکتب یا دکترین مصدق یک استراتژی سیاسی برای حاکمیت مردم بر مردم است. این مکتب که به مثابه یک پروژه ی اجتماعی می باشد، در آن اصول پارلمانی، دموکراسی، استقلال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و عدالت اجتماعی ریشه های ژرف و مستحکمی دارند.

مصدقی کیست؟

مصدقی بودن یک کیفیت است. متأسفانه هرکس به خودی خود شایستگی آن را ندارد برای این که یک فرد یا یک سیستم سیاسی شایستگی این کیفیتها را دارا شود، باید از عوامل ثابت و متغیر خاص این کیفیت برخوردار باشد. کیفیت مصدقی بودن بدون کوچکترین تبعیضگرایی می تواند در دسترس هر کسی که لیاقت آن را داشته باشد قرار بگیرد. همین طور اگر کسی یا سازمانی از اصول و " استانداردهای " این کیفیت تخطی کند، ممکن است آن را از دست بدهد. این از دست دادن می تواند موقتی یا همیشگی باشد و درجه آن بستگی به نوع و اندازه اشتباه و خطر دارد. همان طور که در تولید صنعتی و خدماتی و در تربیت نیروی انسانی عوامل کم یا بدون کیفیت اصلاح پذیرند در مکتب مصدق و حکومت ملی نیز چنین پروسه ای باید وجود داشته باشد واحد کنترل و سنجش این کیفیت جامعه شهروندی و فعالین سیاسی دکترین مصدق می باشد.

استانداردهای حکومت ملی

- ۱- حکومت ملی یعنی تعیین سرنوشت ملت به دست خود ملت و استقرار حاکمیت ملت متکی به رای و اراده‌ی مردم برای رشد و پیشرفت آزادی‌های فردی و اجتماعی تا برقراری دموکراسی در کشور،
- ۲- مشارکت مردم ایران در حق تعیین سرنوشت خود بدون این که تبعیضی بین آنها قائل بوده باشیم،
- ۳- برقراری نظام پارلمانی و احترام به رای پارلمان و مصونیت نمایندگان مردم در مقابل هر قدرت،
- ۴- جدائی سه قدرت قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی از یکدیگر،
- ۵- تضمین بی‌قید و شرط آزادی‌های فردی و اجتماعی،
- ۶- استقلال کامل دستگاه قضایی،
- ۷- احترام بی‌قید و شرط به حقوق بشر و رعایت تمامی کنوانسیون‌های وابسته به آن،
- ۸- تامین صلح و امنیت و فراهم نمودن رفاه مادی، آسایش و سعادت برای آحاد ملت ایران، خودداری از جنگ افروزی و آشوب‌گری و ایجاد خشونت،
- ۹- آزادی احزاب، انجمن‌ها، سندیکاها و جمعیت‌ها و آزادی مذاهب، ادیان، عقاید و اندیشه‌ها،
- ۱۰- عدم وابستگی به قدرتهای خارجی به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در عین حال کوشش در جهت برقراری همکاری‌های علمی، صنعتی، کشاورزی و بازرگانی برای حفظ تعادل اقتصادی بدون این که این همکاری‌ها و مذاکرات از نقطه ضعف بوده باشد،
- ۱۱- هوشیاری سیاسی و پیشتازی در اندیشه و عمل برای دفاع از حقوق ملت ایران در مقابل قدرتهای بزرگ،
- ۱۲- احترام به ملیت ایران و اصول و رسوم ملی، فرهنگی و قومی همه ایرانیان و کوشش برای برقراری همسویی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، علمی و بازرگانی بین همه اقوام ایرانی که این خود موجب بالندگی، پیشرفت، رشد، تحرک و همبستگی ملی است،

۱۳- مبارزه علیه هرگونه نفی اجتماعی و تبعیض به ویژه تبعیض علیه زنان،

۱۴- مبارزه برای عدالت و تامین حقوق اجتماعی، مساوات زن و مرد اقدام برای ایجاد همبستگی بین نسلها و دفاع از حقوق کودکان،

۱۵- احترام به حقوق بین‌الملل و کوشش در برقراری صلح و روابط دوستانه، برقراری همکاری‌های سیاسی، بازرگانی، علمی، صنعتی، نظامی و هنری با همسایگان و کشورهای منطقه در جهت ایجاد صلح پایدار با حفظ احترام متقابل به حقوق ملت‌ها،

۱۶- مبارزه علیه فقر تا از بین بردن کامل آن و تامین حداقل زندگی درخور شرافت انسان ایرانی و کوشش در جهت رشد اقتصادی چه با ابتکارشخصی و چه با حمایت امکانات کشوری و حکومتی،

۱۷- استفاده از سیاست موازنه منفی در هر موردی که لازم باشد،

۱۸- دفاع از محیط زیست و مبارزه با همه‌ی عواملی که باعث تخریب طبیعت و سلامت کره زمین می‌باشد. نفی هر گونه دستکاری در ژن انسان و مبارزه با کلوناز،

۱۹- لغو حکم اعدام و برقراری نظامی که بتواند به اصلاح گناهکاران بپردازد و آنها را به جامعه آزاد بازگشت دهد،

۲۰- برقراری نظام آموزشی براساس معیارهای پیشرفته بین‌المللی و محو نمودن آموزش‌های دینی و عقیدتی در مدارس و دانشگاه‌ها و جایگزینی آنها با آموزش حقوق شهروندی، مدنی و بشری،

۲۱- تأمین نیازهای علمی، مادی و انسانی، برای رسیدن به این اهداف باید از جهات مشروع و با احترام به مقام و حیثیت انسانی صورت گیرد، منابع و مواخذ آن نباید از هیچ کس پنهان باشد، امورات علمی، مادی و انسانی باید به شکلی اداره شود که مردم و نمایندگان آنان بتوانند بر آنها نظارت و کنترل داشته باشند و از کیفیت و کمیت آن اطلاع کامل به دست آورند.

رعایت این اصول میتواند پاسخگوی بسیاری از معضلات و خواست‌های جامعه ما باشد و فردای اطمینان بخشی را برای ایران تصویر کند.

در خاتمه باید بگویم برآستی ضرورت دارد، در مقابل این همه امتیازات مثبت تاریخی و تجربیات اندوخته شده سنگین قیمت، مردم ما

در راهی گام بردارد تا به خواست های مترقی جامعه امروز ایرانی و جایگاه آن در جهان پاسخگو باشد. آیا جامعه ما و به ویژه کنشگران سیاسی، اجتماعی و روشنفکران در این راستا حرکتخواهند کرد؟ پرسشی است تاریخ به آن پاسخ خواهد داد.

۱۴ اسفند ۱۳۹۴

۱- استانداردهای مکتب مصدق و تئوری حکومت ملی <http://rangin-kaman.net/1394/12/15/25152/AAA>